

A Study of Verbal Aggression in the Iranian Parliamentary Discourse from the Perspective of Culpeper's Linguistic Impoliteness and Aristotle's Framework of Rhetorical genres

Seyyed Mahdi Emadi Majd^{*}, Atoosa Rostambeik Tafreshi^{**}

Fateme Rakei^{***}

Abstract

In this research selections from the discourse of the Iranian tenth parliament (2016-2020), with the aim of identifying and analyzing (linguistic impoliteness/) verbal aggression, were examined. To this end, two different theoretical bases — impoliteness in Culpeper's latest book (2011), and Aristotelian Rhetoric (Kennedy, 2007), had been relied on so that occurrences of impoliteness in the text of a selected number of question sessions could be identified, decision could be made on the inclusion of the utterances involving impoliteness in each of the Aristotelian Rhetorical genres. Research questions are as follows: Which of Culpeper's impoliteness categories (2011) and how frequently are instantiated in the corpus of the research? What percent of utterances involving impoliteness could be considered as included in each of the judicial, deliberative and epideictic genres? The findings show that from among Culpeper's categories (2011, 113 - 193), unpalatable questions and/or presuppositions and next insults, from conventionalized

* M.A. in linguistics, Institute for Humanities and Cultural Studies, (Corresponding Author)
smem.torab@gmail.com

** The Assistant Professor of Linguistics, Institute for Humanities and Cultural Studies,
atoosa.rostambeik@gmail.com

*** The Associate Professor of Linguistics, Institute for Humanities and Cultural Studies,
fatemehrakei@gmail.com

Date received: 07/09/2022, Date of acceptance: 02/11/2022



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

impoliteness formulas, and innuendos and next sarcastic comments, from implicational impoliteness, are instantiated most frequently. Some highly frequent linguistic expressions in the corpus are identified and presented as conventionalized impoliteness formulas in the discourse of at least that period of Iranian parliament. 70percent of the utterances which involved impoliteness are labeled as judicial and the remaining ones are labeled as deliberative and epideictic.

Keywords: verbal aggression, linguistic impoliteness, formulaic impoliteness, implicational impoliteness, parliamentary discourse, judicial genre.

بررسی تهاجم کلامی در گفتمان مجلس ایران از چشم‌انداز بی‌ادبی زبانی کالپیر و چهارچوب گونه‌شناختی رتوریک ارسطو

سیدمهدی عمادی مجد*

آتوسا رستم‌بیک نفرشی**، فاطمه راکعی***

چکیده

در این پژوهش گزیده‌هایی از گفتمان دوره دهم مجلس ایران (۱۳۹۵-۱۳۹۹ش) را با هدف شناسایی و واکاوی بی‌ادبی زبانی / تهاجم کلامی بررسی شده‌ایم. با این هدف، بر دو مبنای نظری - بی‌ادبی زبانی کالپیر (۲۰۱۱)، و رتوریک ارسطو (کندی، ۲۰۰۷) تکیه داشتیم تا رخداد‌های بی‌ادبی زبانی را در متن تعداد برگزیده‌ای از جلسات پرسش مجلس شناسایی نموده، درباره شمول آن دسته از پاره‌گفت‌ها، که دربردارنده بی‌ادبی‌اند، ذیل هر یک از گونه‌های رتوریک ارسطو تصمیم‌گیری کنیم. پرسش‌های پژوهش عبارت‌اند از: کدام مقوله‌های بی‌ادبی کالپیر (۲۰۱۱) و با چه بسامدی در پیکره پژوهش نمود یافته‌اند؟ چند درصد از پاره‌گفت‌های دربردارنده بی‌ادبی مشاجراتی، مشاوراتی و یا منافراتی‌اند؟ برخی یافته‌های پژوهش: در میان مقوله‌های کالپیر (۲۰۱۱: ۱۱۳-۱۹۳)، از فرمول‌واره‌های مرسوم شده بی‌ادبی، پرسش / پیش‌انگاری ناخوشایند و سپس توهین، و از بی‌ادبی‌های تلویحی، اظهارات دوپهلوی و سپس طعنه بیش از همه نمود یافته‌اند. برخی فرمول‌واره‌ها و بیان‌های زبانی پربسامد در پیکره، به‌عنوان فرمول‌واره‌های مرسوم شده بی‌ادبی در گفتمان

* کارشناس ارشد زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسنده مسئول)،

smem.torab@gmail.com

** استادیار زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،

atoosa.rostambeik@gmail.com

*** دانش‌یار زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،

fatemehrakei@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۱



(دست‌کم آن دوره) مجلس شناسایی و معرفی شدند. ۷۰ درصد پاره‌گفت‌های دربردارنده بی‌ادبی در متن جلسات پرسش مجلس ایران ذیل گونه مشاجرات و ۳۰ درصد دیگر نیز ذیل گونه مشاورات و منافرات دسته‌بندی شدند.

کلیدواژه‌ها: تهاجم کلامی، بی‌ادبی زبانی، بی‌ادبی فرمول‌واره‌ای، بی‌ادبی تلویحی، گفتمان مجلس، گونه مشاجرات.

۱. درآمد

مطالعه زبان‌شناختی گفتمان سیاسی و گونه‌های آن به سرحد یک موضوع پژوهشی مرکزی در شاخه‌های گوناگون علوم انسانی رسیده است. از دگرسو، «پژوهشگران از دیرباز به رابطه میان زبان و تهاجم (aggression) علاقه‌مند بوده‌اند» (Matsumoto & Hwang, 2013: 335). توجه به کارکردهای اقناعی تهاجم کلامی سبب شد نقش این پدیده در گفتمان سیاسی، به‌ویژه در حوزه‌های گفتمان‌کاوی انتقادی (critical discourse analysis) و رتوریک (rhetoric)، در نگاه پژوهشگران برجسته‌تر شود. پژوهشگرانی که از چشم‌انداز رتوریک به واکاوی گفتمان سیاسی پرداخته‌اند، تهاجم کلامی را به‌منابه ابزاری نقش‌مند در جهت چیرگی بر هم‌سخن (Interlocutor) و اقناع سخن‌شنو (Audience) معرفی می‌کنند (بنگرید به Ilie, 2004: 78; Ardila, 2019: 163)؛ و بر این اساس و با مفروض گرفتن مفاهیم کلیدی هم‌گفتمان‌کاوی انتقادی از جمله قدرت، نابرابری، ایدئولوژی، جنسیت، تبعیض، ... و هم‌واکاوی رتوریکی از جمله موقعیت، مشارکان، هدف، سبک، ... به تبیین و تفسیر موارد تعیین آن در دل عبارات کلام می‌پردازند (Andrus, 2013: 1). اکنون، مسئله این است که در دهه گذشته، چنان‌که به‌نظر می‌رسد، تهاجم کلامی (verbal aggression) و، مهم‌تر، مشاجره‌های اتهام‌محور در گفتمان‌های رسمی سیاست‌مداران ایران رواج بیشتری یافته‌اند. اتهامات و دفاعیه‌ها و در مجموع مشاجره‌ها و گفتمان‌های تقابلی (Confrontational) به‌طور کلی در جو سیاسی کشور فزونی یافته و فریادها و انگشت‌های عتاب بالاتر رفته‌اند؛ و تلاش‌ها و توان‌های بسیاری، فارغ از طرح‌ها و برنامه‌های - احتمالاً - موجود برای آینده و ضرورت دعوت به عمل و مشارکت، مصروف توجیه یا حمله به اقدامات گذشته می‌شوند. همین مسئله انگیزه شکل‌گیری پژوهش پیش‌رو بوده است. حال، تهاجم کلامی اگرچه به اقتضای ذات سیاست و مسئله قدرت پیامد ناگزیر گفتمان سیاسی است، فزونی آن آسیب‌زاست؛ و همین بس تا فراخوان مواجهه علمی و عملی باشد. نیتاناند،

شافنر و گیل (Nithyanand, Schaffner & Gill, 2017: 6) در این باره بیان داشته‌اند: «دانش‌پژوهان برای بی‌تمدنی در گفتمان سیاسی پیامدهای بسیاری برشمرده‌اند. «بی‌تمدنی» میانه‌روهای سیاسی را دلزده کرده [پس می‌راند و این‌گونه] منجر به افزایش قطبش در میان فعالان در عرصه سیاست می‌شود». سارا و مانول (Seara & Manole, 2016) نیز با تأکید بر این واقعیت ثابت کرده‌اند که «فارغ از این فرضیه که کارکرد تهاجمی یک ویژگی گفتمان سیاسی است و از ذات آن (تقابل [همیشگی] میان نمایندگان حزب‌های مخالف و دولت در جنگ بر سر قدرت) نشأت می‌گیرد [...] توهین‌ها برخوردارند» و به سهم خود در افت عمومی گفتمان سیاسی کشور اثر دارند.

اما در میان گونه‌های (genres) گفتمان سیاسی، گفتمان پارلمانی به سبب نوع به‌خصوص مشارکت و ویژگی‌های بافتی منحصربه‌فرد، نمونه‌های تهاجم کلامی را فراوان در بر دارد؛ طبق مشاهدات الّه «تعامل‌های (نا)پارلمانی اعضای مجلس به‌واسطه الگوهای جافتاده و بسیار رقابتی‌ای که در تبادل توهین دارند و اینکه در یک وضعیت سازمانی مبتنی بر ایدئولوژی‌ها و متمایل به بحث و مجادله رخ می‌دهند، نشان‌دار [و به‌وضوح قابل تشخیص] اند» (Ilie, 2001, 261). سرانجام، بروز به‌نسبت زیاد تهاجم در تبادل کلامی (از هر دو جانب گفتمان) حاکی از تقابلی بودن آن گفتمان است. بازنمایی زمان گذشته و معنای اتهام (accusation) در همان گفتمان و همبستگی مثبت این سه - تهاجم، اتهام، زمان گذشته، نشانه مشاجراتی بودن آن گفتمان است. گفتمانی که بنا بر نظریه رتوریک ارسطو (Aristotelian rhetoric) (Lanham, 1991: 164; Kennedy, 2007: 48) با صحن دادگاه تناسب بیش‌تری دارد تا با صحن مجلس؛ چون نشانه‌های عمده گفتمان قضایی (judicial discourse) را داراست؛ گفتمانی که برخلاف گفتمان سیاسی، خاسته از ماهیت و ناگزیر، نگاه به گذشته دارد.

نگارنده در این پژوهش از میان گونه‌های گفتمان سیاسی امروز ایران، گفتمان مجلس و درون آن، زیرگونه (Subgenre) پرسش را در قلمروی زمانی معینی با هدف شناسایی و واکاوی رخدادهای تهاجم کلامی مطالعه کرده تا به این پرسش‌ها پاسخ دهد که در پیکره برگزیده: ۱. کدام مقوله‌های بی‌ادبی کالپیر (۲۰۱۱) و با چه بسامدی نمود یافته‌اند؟ و ۲. چه تعداد از پاره‌گفت‌های دربردارنده بی‌ادبی زبانی ذیل هر یک از گونه‌های رتوریکی مشاجرات، مشاورات و منافرات قابل دسته‌بندی‌اند. بدین ترتیب فرضیه‌های پژوهش نیز به

شرح پی‌آمدند: ۱. با توجه به منابع حقوقی و قانونی که مستقیم و غیرمستقیم سیاق گفتمان را در مجلس محدود می‌کنند از جمله مواد ناظر در آیین‌نامه داخلی مجلس بر بایسته‌های رفتاری میان اعضا و میان آنان و میهمانان، همچنین برخی ویژگی‌های موقعیتی به‌خصوص جلسات علنی مجلس مانند جواز حضور میهمان غیرسیاسی، گزارش‌گران و... در صحن و نیز ضبط و انتشار جلسات در جرائد و رسانه‌ها، زیرمقوله‌های بی‌ادبی زبانی تلویحی (Implicational linguistic impoliteness) با بسامد بیشتری از زیرمقوله‌های بی‌ادبی زبانی مرسوم‌شده (Conventionalized)، در پیکره برگزیده از گفتمان مجلس نمود یافته‌اند. ۲. در گفتمان نوبت‌های برگزیده پرسش از این دوره مجلس، غالب پاره‌گفت‌های دربردارنده بی‌ادبی زبانی، ذیل گونه‌های مشاجرات (judicial) و تعداد بسیار کمتری از آنها نیز ذیل گونه مشاورات (Deliberative) و منافرات (Epideictic) قابل دسته‌بندی‌اند.

۲. پیشینه پژوهش

غیاثیان و ذاکری (۱۳۹۳) در پی جلوه‌های ادب و بی‌ادبی در کنفرانس‌های مطبوعاتی سیاسی رؤسای دو قوه مجریه (دوره دهم) و مقننه (دوره هشتم)، از منظر نظریه ادب (politeness theory) براون و لوینسون (Brown & Levinson, 1987) و بی‌ادبی باوسفیلد (Bousfield, 2008)، اهمیت ایدئولوژیک و اجتماعی تقویت‌گرها و تعدیل‌گرهای پیام را نشان داده‌اند.

محمودی بختیاری و سلیمیان (۱۳۹۵) با هدف بررسی کارکرد بی‌ادبی در زبان فارسی از طریق توصیف آن در نمایش‌نامه «صیادان» با الگوی نظری ارائه‌شده از سوی کالپپر (Culpeper, 1996, 2003) پژوهش خود را صورت داده‌اند. آن‌ها یافتند که پرکاربردترین راهبرد در «صیادان» بی‌ادبی مثبت و کم‌کاربردترین، کنایه نیش‌دار بوده است.

چهارسوقی امین (۱۳۹۷) نیز بر گفتمان دوره دهم مجلس شورای اسلامی، به‌عنوان داده، تمرکز کرده و به‌علاوه، در مبانی نظری خود، برای تحلیل داده‌ها، بر چارچوب‌های نظری رتوریک ارسطو هم تکیه داشته است. و اگرچه اصطلاح تهاجم (یا خشونت) کلامی از کلیدواژه‌های پژوهش او نبوده است، به اظهارات تخریب‌کننده نمایندگان نظر داشته است.

إله (Ilie, 2004) به تحلیل تطبیقی اینکه چگونه قوانین مجلس گفتمان را تحت‌الشعاع قرار داده و چگونه خود می‌توانند مورد تخلف واقع شوند، می‌پردازد. او تلاش می‌کند تا از

منظورهایی رتوریک و شناختی به سؤال‌هایی در باب توهین در مجلس‌های سوئد و بریتانیا پاسخ گوید.

پرسش بیوتوری (Bevitori, 2004) درباره قطع کلام در پارلمان است در انگلستان، که در برخی شرایط مجاز است، و در ایتالیا، که مجاز نیست اما همچنان فراوان رخ می‌دهد. او با مراجعه به نظام‌های وجه، وجهیت و ارجاع، چگونگی مدیریت تعامل به‌واسطه «دستگاه قطع کلام» (Interruption device) توسط مشارکان را در دو پارلمان، به‌طور تطبیقی، پژوهیده است.

دانمایر (Dunmire, 2008) به بررسی این پرداخته است که چگونه «هنوز نه» در زبان و گفتمان چون «اکنون همین‌جا» تعبیر می‌شود. او در این تک‌نگاشته، با تمرکز بر [چگونگی] ترسیم سلطه‌جویانه واقعیت آینده توسط کنش‌گران سیاسی به‌منظور نیل به اهداف سیاسی‌شان، به بررسی ماهیت و کارکرد رتوریک بازنمودهای آینده در گفتمان سیاسی پرداخته است.

آیدین اقلو (Aydinoğlu, 2013) گفتارهای موجود در شش نمایش‌نامه یک‌پرده‌ای را در آثار جرالین ال. هورتون (Geraldyn L. Horton)، نویسنده زن آمریکایی، برای بررسی تفاوت‌های جنسیتی در کنش‌هاش بی‌ادبانه، تحلیل کرده است. او دسته‌بندی انواع راهبردها را بر طبق فرمول‌واره‌های مرسوم‌شده بی‌ادبی و بی‌ادبی تلویحی در کالپیر (۲۰۱۱)، و دسته‌بندی پاسخ‌ها به بی‌ادبی را در چارچوب بی‌ادبی باوسفیلد (۲۰۰۸) انجام داده است.

مورفی (Murphy, 2014) با نگاه به نظریه ادب براون و لوینسون (۱۹۸۷) و بی‌ادبی کالپیر (۲۰۱۱) شش جلسه پرسش از نخست‌وزیر را از مجلس انگلستان تحلیل کرده و نشان داده که چگونه بی‌ادبی در طول پرسش‌ها و پاسخ‌ها در پرسش از نخست‌وزیر تعیین یافته است.

نشنکو (Neshenko, 2016) گفتمان سیاسی ناهم‌ساز (conflict) را نتیجه کشمکش سیاسی میان شرکت‌کنندگان در مصاحبه یا همان حاملان فرهنگ‌های مختلف می‌داند؛ و بدنام‌سازی را به عنوان یک راهبرد کلیدی گفتمان سیاسی ناهم‌ساز که با فنون یک‌سویه و دوسویه تهاجم تعیین می‌یابد، معرفی می‌کند.

ولکوا و پانچنکو (Volkova & Panchenko: 2016) مطالعه خود را بر مبنای نظریه گفتمان‌کاوی و نظریه تخریب (destruction) انجام داده‌اند. آن دو مفهوم «تخریب» را در

ارتباط با گفتمان سیاسی، تحدید و با مفهوم مرتبط تهاجم مقایسه می‌کنند؛ و با استفاده از گزیده‌هایی از سخنرانی‌های نامزدهای ریاست‌جمهوری در سال ۲۰۱۶، مقوله تخریب را در گفتمان سیاسی نوین آمریکا و امی کاوند. توجه آنها به‌طور ویژه مصروف دو چیز بوده است: مقاصد غالباً تخریب‌گرانه یعنی ضربه زدن به شهرت رقیب و کاهش بخت سیاسی او، و همچنین کارکردهای تهاجم کلامی یعنی از یک سو بی‌اعتبار کردن رقیب و اتهام وارد کردن، و از سوی دیگر مسموم کردن ذهن مخاطب [یعنی مردم] بر علیه او و تحریک حس خطر در مخاطب که از جانب رقیب سیاسی متوجه اوست.

آردیلا (Ardila, 2019) به بررسی زبان روفیان (Rufian's language) در یک کمیته تحقیقاتی مجلس و تحلیل اینکه او چگونه به‌طوری روش‌مند رشته‌ای از مصداق‌های بی‌ادبی را در پی هم ردیف می‌کند، می‌پردازد. مصداق‌های مزبور تمام آنچه را که باوسفیلد (۲۰۰۸) و کالپیر (۱۹۹۶) شناسایی کرده‌اند، در بر می‌گیرد.

کوسی (Kuße, 2019) با هدف بررسی خشونت و تهاجم کلامی، اصول نظریه کنش گفتاری را در تحلیل گفتمان روسیه گذشته و کنونی، نمونه‌هایی از نطق‌های سیاسی لنین، استالین، برژنف و پوتین، از چشم‌اندازی در زمانی به‌کار می‌بندد. به گفته او پیام‌های گنگ (diffuse messages) «جزئی از ابزارهای خشونت در قالب ارتباط به‌ظاهر دوستانه» اند و با جهت‌گیری (کارگفتی) غیرگفتاری و/یا ارزش‌شناختی ناواضح و ابهام معناشناختی و/یا ارجاعی مشخص می‌شوند.

۳. مبانی نظری

در این قسمت تهاجم کلامی از دیدگاه ملنیچنکو (Melnychenko, 2018)، با هدف زمینه‌چینی برای ارائه بحثی مختصر درباره ماهیت این پدیده در داده‌های پژوهش، و نیز بی‌ادبی زبانی از منظر کالپیر (۲۰۱۱)، و چارچوب گونه‌شناختی رتوریک ارسطو (کندی، ۲۰۰۷: ۴۸)، با هدف معرفی مبانی نظری تحلیل داده‌ها در این پژوهش، معرفی و شرح داده شده‌اند.

۱.۳ ملنیچنکو و تهاجم کلامی در گفتمان سیاسی

ملنیچنکو (۲۰۱۸: ۴۱) به «کنکاش در پدیده تهاجم کلامی و مروری بر [برخی] رویکردهای گوناگون در تفسیر این پدیده» پرداخته و «برای رسیدن به فهمی دقیق‌تر از این پدیده مفاهیم کلیدی آن را مطالعه‌ای معناساختی کرده است». گفتمان سیاسی در نگاه او سیاست به معنای گسترده و عام آن است: «گفتمان سیاسی شکلی عمومی از ارتباط و طرز تفکر مردم است». وی مهم‌ترین ویژگی گفتمان سیاسی را هدف همیشگی آن، یعنی رقابت بر سر قدرت و حفظ آن به هر قیمت، معرفی می‌کند.

روش ملنیچنکو در این پژوهش (۲۰۱۸: ۴۲) «مطالعه گوناگونی‌های معناساختی-واژگانی واحد و واژگانی "تهاجم" به‌وسیله تحلیل و نظام‌دهی تعریف‌های واژه‌نامه‌ای آن» بوده است. او با تحلیل مؤلفه‌ای (پژوهش در مورد محتوای واحدهای معنادار زبان، با هدف تقسیم معنا به مؤلفه‌های کمینه معناساختی) تعریف‌های واژه‌نامه‌ای تکواژ "تهاجم"، بر پایه واژه‌نامه‌های تخصصی انگلیسی و آمریکایی، نشان داده است که معنی‌ها از ۱ تا ۵ صورت رایج (به‌علاوه ۲ صورت دیگر) در گوناگونی‌اند (۲۰۱۸: ۴۳). در زیر به‌عنوان نمونه، نتیجه تحلیل و مؤلفه‌های معناساختی معنای اول، سوم و پنجم را می‌بینیم:

۱. [معنای] پایه: رفتار + [مؤلفه‌های] جنبی: دلیل [رفتار]: خلق‌و‌خو (Disposition)؛ ماهیت رفتار: گفتاری یا جسمانی؛ ماهیت رفتار: با زور، حمله‌ورانه، یا به‌طور سازنده مطمئن‌به‌خود و خودمحافظ و یا به‌طور مخرب ستیزه‌وار؛ ستیزه‌وار و مخرب، خشمناک، تهدیدکننده.

۳. [معنای] پایه: اقدام + [مؤلفه‌های] جنبی: خصیصه‌های اقدامات: خشونت‌آمیز (violent)، با زور، اقدام غیردوستانه یا زیان‌بار، هجومی، نابرانگیخته ستیزه‌وار (unprovoked hostile)؛ با مفعول مشخص: علیه یک کشور، حمله نابرانگیخته [و ابتکاری] توسط یک کشور علیه کشوری دیگر، نقض حقوق، به‌ویژه حقوق مرزی حکومتی دیگر + ابزار مشخص شده اقدام (با نیروها)؛ طبقه‌بندی اقدامات: تجاوز، دست‌اندازی، حمله‌ای نابرانگیخته، حمله‌ای نظامی.

۵. [معنای] پایه: رفتار + [مؤلفه‌های] جنبی: خصیصه‌ها: به‌عمد غیردوستانه، فاش یا سرکوب‌شده + ماهیت رفتار: ذاتی یا ناشی از ناامیدی مداوم + جهت‌یافته به سوی کسی/ چیزی/ جایی (برون‌سو یا علیه خود).

تحلیل‌های او این امکان را فراهم کرد تا بر طبق مؤلفه‌ها، به‌خصوص، درباره گوناگونی تمامی گونه‌های واژگانی — معناشناختی به جمع‌بندی برسد. این مؤلفه‌ها عبارتند از مؤلفه‌های پایه: "اقدام" و "رفتار" که (به‌جز یک استثنا) در تمامی معنی‌ها به‌طور ثابت وجود دارند، و برخی مؤلفه‌های جنبی: "علت"، "ماهیت"، "خصیصه/توصیف"، "هدف" و "مشخص کردن مفعول" (Object specification) که در تمام گونه‌های واژگانی — معنایی یافت نشده‌اند.

در پایان، ملنچینکو بر اساس یافته‌هایش تهاجم کلامی در گفتمان سیاسی را این‌گونه تعریف کرده است:

«از دیدگاه تعامل گفت‌وگویی (dialogical interaction)، تهاجم کلامی در گفتمان سیاسی عبارت است از گرایش سخن‌گو به ضدگفت‌وگو به گسترده‌ترین معنا، و شکست ارتباطی که توسط خطاب‌گر به‌عمد سازماندهی شده است.»

۲.۳ کالیپر و بی‌ادبی زبانی

کالیپر (۲۰۱۱)، مقدمه بی‌ادبی را «جزئی از تهاجم، تعدی (Abuse)، زورگویی (bullying) و آزار (harrasment)» می‌داند؛ و بر آن است که بی‌ادبی یک زمینه مطالعاتی چندرشته‌ای است. وی پس از ارائه مطالبی، از برخی مطالعات پژوهشی متمرکز بر هر یک از پدیده‌های مزبور، از ادبیات حوزه جامعه‌شناسی، مطالعات اختلاف، انسان‌شناسی و نیز روان‌شناسی، ادعا می‌کند که: «اگرچه آنها اصطلاح بی‌ادبی یا بی‌ادبانه را به‌کار نمی‌گیرند، اما این [مقصود آن‌ها] با مفهوم زیرهسته بی‌ادبی جفت‌وجور است» (۲۰۱۱: ۴).

او اولین اثر خود در این حوزه (۱۹۹۶) را «تا حدودی برگردان براون و لوینسون (۱۹۸۷) با عطف به حمله به وجهه» معرفی می‌کند. اما می‌افزاید که در آثار بعدی (۲۰۰۵) «آشکارا تمایز براون و لوینسون (۱۹۸۷) میان وجهه مثبت و منفی را رها کرده، و تعامل را در بافت ارزیابی» کرده است (۲۰۱۱: ۷). وی این ویژگی، یعنی تمرکز بر نقش بافت را مشترک در بیشتر آثار متأخر در باب بی‌ادبی می‌داند. کالیپر، همچنین، از سرراستی

(directness) «بعد اصلی‌ای که در راستای آن ابراهبردهای براون و لوینسون (۱۹۸۷) برای صورت دادن ادب ترتیب گرفته‌اند» به‌عنوان مفهومی «که به‌هیچ وجه سراسر نیست» (۲۰۱۱: ۱۸۳ و ۱۸۴) یاد می‌کند؛ و مفهوم «صراحت کاربردشناختی (Pragmatic explicitness) را که پایه در شفافیت سه چیز [یعنی] نکته غیربیانی (Illocutionary point)، مرجع (ها) (Referen(s))، و محتوای گزاره‌ای دارد» ترجیح می‌دهد (۲۰۱۱: ۱۸۴). او با استناد به یکی از مطالعات خود «تقارن/عدم تقارن قدرت [را] مهم‌ترین عامل در تعیین حکم به بی‌ادبی» معرفی می‌کند. و در کل بنا بر یافته‌های او این «فاصله‌گرفتن از [امر] مرسوم (Conventional)، چه از طریق بیان سراسر و چه بیان غیرسراسر نامرسوم (Non-conventional indirectness)، است که منجر به قضاوت به بی‌ادبی می‌شود» (۲۰۱۱: ۱۹۴).

موضع دیگر گسست کالپیر از نظریه ادب براون و لوینسون کانونی فرض نکردن مفهوم وجهه در تعریف و ماهیت بی‌ادبی است. «وجهه در قلب تمام تعامل‌هایی که بی‌ادبانه فرض می‌شوند، قرار ندارد». سپس می‌افزاید: «غالباً، مسئله اصلی به‌نظر نقض یکی از مرسومات (conventions) و هنجارهای اجتماعی است» (۲۰۱۱: ۳۱). پس چارچوب نظری کالپیر از ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۱ از رویکردی اساساً قیاسی و نظریه‌بنیاد تا رویکردی تجربی و داده‌محور در سیری از تطور بوده است.

۱.۲.۳ بی‌ادبی فرمول‌واره‌ای مرسوم‌شده

کالپیر با پرسش از ذاتی بودن/نبودن بی‌ادبی در زبان (۲۰۱۱: ۱۱۷) معنای «ذاتی» را در این مبحث در سه سطح، قابل بررسی معرفی می‌کند:

«۱. کارگفت‌ها؛ ۲. راهبردهای گفتمانی/ارتباطی/کاربردشناختی، و ۳. صورت‌ها یا بیان‌های زبانی (linguistic expressions). در اصطلاح آستین (۱۹۶۲) اولی به [کنش‌های] غیرگفتاری، و سومی به [کنش‌های] گفتاری بازمی‌گردند؛ و دومی مقوله‌ای است بینینی.» و صورت‌های زبانی را به‌عنوان آنچه که می‌تواند و باید مورد این بحث، یعنی ذاتی بودن بی‌ادبی در زبان، واقع شوند مبنای ادامه بحث خود قرار می‌دهد؛ و در انتقاد از رویکرد براون و لوینسون، که با ادعای جهانی بودن راهبردهای تهدید وجهه (۱۹۸۷: ۶۵)، بر کارگفت‌ها متمرکز بوده‌اند می‌گوید:

«معنی‌ها تنها در صورتی می‌توانند ذاتی کارگفت‌ها باشند که کارگفت‌ها خودشان تاحدی معین و پایدار باشند. یک کارگفت، برخلاف صورت زبانی یک پاره‌گفت، به میزان قابل توجهی به کار تفسیری در بافت بستگی دارد» (۲۰۱۱: ۱۱۹).

کالپیر پس از بحثی مفصل (۲۰۱۱: ۱۲۰ - ۱۲۴) بر سر مواضع برخی صاحب‌نظران، صورت‌گرایی کلاسیک در برابر نسبی‌گرایی پسامدرن، مبنی بر ذاتی بودن/ نبودن بی‌ادبی در بیان‌های زبانی، و با استناد به برخی مشاهدات و البته استدلال بر علیه نسبی‌گرایی مفرط، شق سوم را پیش می‌نهد و آن موضعی میانه است: «بی‌ادبی تا حدودی در بیان‌های زبانی ذاتی است» (۲۰۱۱: ۱۲۴). او موضع خود را به عبارت زیر شرح می‌دهد:

موضع من دوگانی است از آن جهت که (بی‌ادبی معناشناختی و (بی‌ادبی کاربردشناختی را دو ضد به هم وابسته در یک مقیاس می‌بینم. (بی‌ادبی می‌تواند بیش‌تر با یک صورت زبانی یا بیشتر با بافت تعیین شود، اما نه بیان و نه بافت هیچ‌یک [به‌تنهایی] حمل‌بر(بی‌ادبی را تضمین نمی‌کنند: تعامل بین آن دو است که تعیین‌کننده است.

کالپیر برای تسخیر این نسبیت، مفهوم «مرسوم‌سازی (Conventionalization)» را به‌کار می‌گیرد؛ و در این راستا بیان می‌دارد: «معانی کاربردشناختی می‌توانند بیش‌تر و بیش‌تر معناشناختی شوند (به‌عبارتی برای اکثریت گویش‌وران زبان مرسوم شوند)» (۲۰۱۱: ۱۲۷). این مفهوم یک معیار اساسی در طبقه‌بندی جدید او از بی‌ادبی است؛ و اساساً وی در رویکرد واپسین خود رفتارهای بی‌ادبانه را در طیفی میان نهایت مرسوم‌شدگی و نهایت مرسوم‌ناشدگی (بافت‌بستگی محض تا بافت‌رستگی و معنایی‌شدگی محض) قابل‌شناسایی و تعریف می‌داند (۲۰۱۱: ۱۲۸):

[معنای] کاربردشناختی نامرسوم ← [معنای] کاربردشناختی مرسوم‌شده ← [معنای] معناشناختی مرسوم.

او برای ارجاع به رفتارهای تشکیل‌شده از بیان‌های مرسوم‌شده زبانی، اصطلاح فرمول‌واره‌های مرسوم (Conventional formulae) را به‌کار می‌گیرد (۲۰۱۱: ۱۲۰)؛ و در نهایت فرمول‌واره مرسوم‌شده بی‌ادبی را بدین عبارت تعریف می‌کند: «صورتی زبانی که در آن تأثیرات بافت‌ویژه بی‌ادبی مرسوم‌سازی شده‌اند» (۲۰۱۱: ۱۵۳).

نکته جالب توجه در تفاوت این فرمول‌واره‌ها با فرمول‌واره‌های ادب، به باور کالپیر، این است که:

مردم دانشی را از فرمول‌واره‌های بی‌ادبی کسب می‌کنند که بسیار فراتر از تجربه مستقیم خود آنها از کاربرد فرمول‌واره‌های مربوط به تأثیرات بی‌ادبی در چنان بافت‌هایی است. این بدان علت است که آنها از تجربه غیرمستقیم و به‌ویژه فراگفتمان نیز بهره می‌برند. تجربه غیرمستقیم از فرمول‌واره‌های بی‌ادبی شامل یادکردهاست (mentions) تا کاربردها. این یعنی گفتمان درباره گفتمان بی‌ادبی یا همان فراگفتمان بی‌ادبی (مثال: نکوهیدن یک رفتار بی‌ادبانه یا برپا داشتن (و رعایت) یک ضابطه) (۲۰۱۱: ۱۳۱ و ۱۳۲).

براساس آنچه گفته شد کالپیر به دو روش به شناسایی فرمول‌واره‌ها [و هم‌چنین راهبردها]ی مرسوم شده بی‌ادبی می‌پردازد: ۱. مطالعه آن بافت‌های به‌خصوصی که در آنها مشارکان به‌طور قاعده‌مند فهمی را ابراز می‌کنند که چیزی بی‌ادبانه بیان شده است (چه بیانهایی به‌کار رفته است؟). ۲. مطالعه فراگفتمان درخصوص رفتارهایی که بی‌ادبانه قلمداد می‌شوند (از کدام بیانه سخن به‌میان آمده است؟) (۲۰۱۱: ۱۳۴).

راهبردها و فرمول‌واره‌های مرسوم‌شده بی‌ادبی که در کالپیر (۲۰۱۱) مورد بحث هستند، در ادامه، در جدول ۱ معرفی شده‌اند.^۱

جدول ۱. راهبردها و فرمول‌واره‌های مرسوم‌شده بی‌ادبی

برخی فرمول‌واره‌های بی‌ادبی (برگرفته از مجموعه داده‌های کالپیر ^۲)	برخی راهبردهای بی‌ادبی (برگرفته از کتاب‌های راهنمای بی‌ادبی)
<p>توهین: - ندا‌های شخصی‌سازی‌شده منفی (personalized negative vocatives) [تو] / [تو] [مردیکه/ پسره/ زنیکه/ پیر] [احمق/ سلیطه/ خرفت] - ادعاهای (assertions) شخصی‌سازی‌شده منفی [تو] [نمی‌تونی/ عرضه نداری] [یه کار درست انجام بدی] - ارجاع‌های (references) شخصی‌سازی‌شده منفی [اون/ این] [قیافه/ چشم] [نحس/ کور] [ت] - ارجاع‌های شخصی‌سازی‌شده منفی در قالب سوم‌شخص (وقتی شخص هدف در حال شنیدن باشد)</p>	<p>توهین (insult) (اظهارات یا تلویحات تنزیل‌دهنده (derogatory)): تولید یا درک جلوه‌ای از ارزش کم [قائل بودن] برای هدف</p>

<p>[پسره‌ی / دختره‌ی] [ابله] عقل تو سرش نیست انتقاد/گلایه صریح (Pointed criticism/complaint) [کاملا/ کلا] [افتضاح/ بی معنی / آشغال] [محض] [ه/بود] بیان‌گرهای منفی (negative expressives) (مثال: نفرین، آرزوی بد): [برو] [بمیر] [به جهنم] مرده‌شورتو ببرن پیش‌انگاری‌ها و/یا پرسش‌های ناگوار و ناخوشایند (unpalatable): چرا زندگی منو جهنم می‌کنی؟ حالا مگه چی شده؟ من قصد ندارم برای اهداف سیاسی از جوانی و بی‌تجربگی رقیبم بهره‌جویی کنم.</p>	<p>انتقاد/گلایه صریح (شامل ابراز عدم‌پسند و بیان داشتن عیب [تقصیر]، ضعف یا اشکال): تولید یا درک جلوه‌ای از ارزش کم [قائل بودن] برای هدف</p>
<p>تحقیر:</p> <p>[این] [بیچگانه / کسر شأن / ابتدایی] [است / ه] تقویت‌کننده‌های پیام (message enforcers): [گوش بد / خوب گوش‌تو وا کن] [پیش‌پیام (preface)] فهمیدی یا نه؟ [پس پیام (tag)] پس‌ران‌ها (dismissals): گورتو گم کن بزن به چاک ساکت‌کننده‌ها (silencers): [ببند / بکش] [در / زیپ] [طولیه / دهن] [ت] [رو] خفه شو تهدید: [پدر / چشم / کله] [ت رو] [درمیارم / می‌کنم] [اگر] [X] [یا X] [یا روزگار / آبرو] [ت رو] [سیاه می‌کنم / می‌برم] [قبل از این که] [پیام سراغت / آبروتو ببرم / رسوات کنم] [X]</p>	<p>اخراج یا طرد کردن (exclusion) (کوتاهی در به‌حساب آوردن (Failure to include)؛ دوری جستن) تولید یا درک جلوه‌ای از تعدی به [حق] شمولیت (Infringement of inclusion)</p>
<p>رفتارهای ارباب‌منشانه (patronizing behaviors) (شامل رفتارهای تحقیرآمیز (Condescending)، کوچک‌کننده (Belittling)، تمسخرآمیز و سبک‌کننده (demeaning)) تولید یا درک جلوه‌ای از قدرت که به سلسله‌مراتب درک‌شده قدرت تعدی کند کوتاهی در عمل متقابل (Failure to reciprocate): تولید یا درک جلوه‌ای از تعدی به هیچ عمل متقابل تقص حريم (Encroachment): تولید یا درک جلوه‌ای از تعدی به فضای شخصی (چه به‌طور حقیقی چه به‌طور استعاری) رفتارهای مقبوح (taboo behaviors) (شامل کنش‌ها، نشانه‌ها و واژه‌ها): تولید یا درک جلوه‌ای از رفتارهایی که به‌لحاظ عاطفی زنده تلقی می‌شوند</p>	<p>رفتارهای ارباب‌منشانه (patronizing behaviors) (شامل رفتارهای تحقیرآمیز (Condescending)، کوچک‌کننده (Belittling)، تمسخرآمیز و سبک‌کننده (demeaning)) تولید یا درک جلوه‌ای از قدرت که به سلسله‌مراتب درک‌شده قدرت تعدی کند کوتاهی در عمل متقابل (Failure to reciprocate): تولید یا درک جلوه‌ای از تعدی به هیچ عمل متقابل تقص حريم (Encroachment): تولید یا درک جلوه‌ای از تعدی به فضای شخصی (چه به‌طور حقیقی چه به‌طور استعاری) رفتارهای مقبوح (taboo behaviors) (شامل کنش‌ها، نشانه‌ها و واژه‌ها): تولید یا درک جلوه‌ای از رفتارهایی که به‌لحاظ عاطفی زنده تلقی می‌شوند</p>

۲.۲.۳ بی ادبی مرسوم نشده - تلویحی

در آغاز این مبحث کالپیر بیان داشته است: «بسیاری از رویدادهای بی ادبی هرگز فرمول‌واره‌های مرسوم شده بی ادبی را شامل نمی‌شوند. پنجاه‌ونه مورد از صد رویداد بی ادبی گزارش شده شامل فرمول‌واره‌های مرسوم شده بی ادبی نبوده‌اند». او یک طبقه‌بندی برای آنچه بی ادبی تلویحی نامیده، پیش می‌نهد؛ و سه طبقه را از یکدیگر بازمی‌شناسد که تغایرشان بر اساس چگونگی برانگیزش استنباط بی ادبی است.

۱. صورت محور:

سطح صوری یا محتوای معناساختی رفتار نشان‌دار باشد (۲۰۱۱: ۱۵۵). در این طبقه او به محرک‌های صورت محور بی ادبی تلویحی / استنباطی اشاره دارد. آنها که به جز از موارد مرسوم شده بی ادبی‌اند.

این بی ادبی با پدیده‌های گوناگونی هم‌پوشانی دارد که با اصطلاحات روزمره‌ای چون "زخم زبان (insinuation)", "سخن دوپهلوی (innuendo)", "متلک انداختن (casting aspersions)", "نیش زدن (digs)" و "کلفت بار کردن یا تکه انداختن (snide comments/remarks)" از آنها یاد می‌شود. این اصطلاحات اگرچه به طیف گسترده‌ای از پدیده‌ها اشاره دارند، وجه مشترک همه آنها دلالت به پیام‌هایی است نهفته [و ضمنی] که برانگیخته سطح صوری یا جنبه‌های معناساختی یک رفتاراند و دارای پیامدهایی منفی برای افرادی خاص هستند (۲۰۱۱: ۱۵۶).

برای نمونه (از میان گزارش‌های دریافتی کالپیر): کاربرد پاره‌گفت «بیا بریم بیرون» توسط یک شخص در خطاب به هم‌سخن خود با هدف‌گیری شخصی دیگر، به محض نزدیک شدن آن شخص، چنان که بشنود، با این پیام و معنای ضمنی برای او که «تو مزاحم خلوت ما دو نفری». این پاره‌گفت در آن موقعیت نشان‌دار به بی‌ربطی (و ناقص اصل «رابطه» گرایش) است. پس شخص سوم استنباط می‌کند که «بیرون رفتن» آن دو مستلزم «دور شدن از او» است و پیام را درمی‌یابد؛ و از این رفتار کلامی دوپهلوی و نیز از اینکه طرد شده است، می‌رنجد (۲۰۱۱: ۱۶۰).

۲. رسم‌محور:

به بیان کالپیر اصطلاحات امروزی برای این نوع پدیده "طعنه (sarcasm)" و "دست‌انداختن (teasing)" است؛ و بعضی برچسب‌های دیگر، چون شوخی/طنزهای [خشن/تلخ] که برای شوخی به کار می‌روند. وجه اشتراک همه این پدیده‌ها این است که در اغلب موارد دربردارنده پیام‌های آمیخته‌اند (۲۰۱۱: ۱۶۵). به بیان دقیق‌تر، ویژگی‌هایی را که به تفسیر به ادب سوق می‌دهند با ویژگی‌هایی که به تفسیر به بی‌ادبی سوق می‌دهند درهم می‌آمیزند.^۳ نکته کلیدی نیز از دید او همین آمیختگی است.^۴

(آ) **ناهمخوانی درونی**: بافت ترسیم‌شده توسط بخشی از رفتار با بافت ترسیم‌شده توسط بخشی دیگر همخوانی نداشته باشد؛ به عبارت دقیق‌تر، ناهمخوانی‌هایی که از مجاورت یک فرمول‌واره مرسوم‌شده ادب با یک فرمول‌واره مرسوم‌شده بی‌ادبی و یا با یک رفتار که می‌تواند بروزدهنده بی‌ادبی باشد، ایجاد شده‌اند. مثال بارز کالپیر برای این زیردسته، پاره‌گفت "امکانش هست خفه شی؟" می‌باشد.

در ادامه این بحث کالپیر از امکان مرسومیت یافتن خود پیام‌های آمیخته در ایجاد اثر بی‌ادبی سخن می‌گوید. «درهم‌آمیزی پیام‌ها می‌تواند خود به‌طور مرسوم اثر بی‌ادبانه بیابد. [به این صورت] که ابزار ادب پیش‌درآمدی برای بی‌ادبی شود» (۲۰۱۱: ۱۷۷).^۵

(ب) **ناهمخوانی بیرونی**: بافت ترسیم‌شده توسط یک رفتار با بافت موجود [که رفتار در آن صورت گرفته] همخوانی نداشته باشد. به‌عنوان مثال، پیغام نوشتاری "ممنون از شما راننده باشعور!" که توسط صاحب یک خانه، در یک برگه، روی شیشه ماشینی که راه آن خانه را مسدود کرده است قرار گیرد (۲۰۱۱: ۱۷۹).

۳. بافت‌محور:

آنچه او در این مقوله مورد نظر دارد مواردی است که محرک در آن‌ها نشان‌دار نبوده و هیچ ناهمخوانی‌ای شامل فرمول‌واره مرسوم‌شده ادب نیز در کار نباشد. بلکه تفسیر به بی‌ادبی قبل از هر چیز خاسته از توقعات جدی مبتنی بر بافت است (۲۰۱۱: ۱۸۰).

(آ) **رفتار بی‌نشان**: رفتاری (با توجه به سطح صوری یا محتوای معناشناختی) بی‌نشان و به‌علاوه مرسوم‌نشده که با بافت همخوانی نداشته باشد. به باور کالپیر رفتارهای اندکی می‌توانند توصیف شوند که نه نشان‌دار و نه مرسوم‌شده باشند. برای نمونه (از گزارش‌های

دریافتی کالپیر)، نصیحت‌های معمول آمرانه و سرراست مادرانه یک مادر به دخترش دایر بر، مثلا، ضرورت دقت بیشتر داشتن درباره مسائل مالی و خودداری کردن از ولخرجی؛ که حال چون آن دختر دیگر خود را بالغ و عاقل می‌داند این نصیحت‌ها برای او رنجاننده‌اند (۲۰۱۱: ۱۸۲).

ب) **عدم رفتار:** عدم یک رفتار با بافت همخوانی نداشته باشد. نمونه‌ای که کالپیر ارائه نموده گزارشی است که از یکی از گویش‌وران خود دریافت کرده است. استادی که بدون آن‌که به پاسخ غلط دانشجوی در جواب به سؤالی که پرسیده بود، واکنشی نشان دهد، به دانشجوی دیگری روی می‌کند تا پاسخ او را بشنود.

آن‌چه کالپیر از "نشان‌دار" در ذهن دارد، «انحراف از اصول کاربردشناختی حاکم بر دادوستد اطلاعات بین مشارکان است، که در اصول همپاری گرایس (۱۹۷۵) صورت‌سازی شده است» (۲۰۱۱: ۱۵۶). به گفته وی شاید بتوان این سه طبقه را بر اساس مقیاس مرسوم‌شدگی، به ترتیب، از هرچه معناشناختی‌تر به هرچه کاربردشناختی‌تر توصیف کرد.

۳.۳ چهارچوب گونه‌شناختی رتوریک ارسطو

ارسطو در رساله خود «اندر خطابه (On Rhetoric)» به سال‌های ۳۴۰ تا ۳۳۵ پیش از میلاد، رتوریک یا فن خطابه را «یک توانایی (قوه ذهنی یا قدرت) در یافتن [طرق، ابزار یا] شیوه‌های موجود اقناع در هر موقعیت» تعریف کرده است. شیوه‌های اقناع یا غیرهنری‌اند - [همچون] قوانین، شواهد، قراردادهای، یا سوگندها که به کار گرفته می‌شوند اما توسط سخن‌گو ابداع نشده‌اند - یا هنری‌اند و ابداع سخن‌گو. شیوه‌های هنری اقناع در سه شکل صورت می‌گیرند که معروف شده‌اند به وثاقت [یا جاهت] (ethos)، ارائه شخصیت سخن‌گو به‌عنوان شخص قابل اعتماد؛ تهییج (pathos)، عواطف سخن‌شنو که توسط سخن‌گو تحریک شده باشند؛ و استدلال (logos)، بحث منطقی مبتنی بر شواهد و احتمالات. ارسطو خطابه را متشکل از سه جزء [عمده] می‌داند: ۱. سخن‌گو (speaker) و موضوع سخن (subject)، ۲. سخن‌شنو (addressee)، و ۳. هدف (objective) که مربوط به سخن‌شنوست. (کندی، ۲۰۰۷: ۴۷؛ نیز بنگرید به احمدی، ۱۳۹۷: ۸۹-۱۰۰) ادامه این مطلب را در بیان خود ارسطو می‌خوانیم:

۱. گونه‌های رتوریک در شمار سه هستند؛ چون شمار [طبقاتی] که سخن‌شنو بدان‌ها تعلق دارد چنین است. سخن از سه چیز تشکیل می‌شود: یک سخن‌گو و موضوعی که درباره‌اش سخن می‌گوید و کسی در خطاب، و هدف سخن که مربوط به آخری است (منظورم سخن‌شنو است). ۲. حال سخن‌شنو ناگزیر یا مشاهده‌گر است یا قضاوت‌گر، و [در مورد دوم] یا قاضی رویدادهای گذشته است یا آینده. عضو یک مجمع دموکراتیک مثالی است از کسی که رویدادهای آینده را قضاوت می‌کند، یک عضو هیئت منصفه مثالی از او که گذشته را قضاوت می‌کند. یک مشاهده‌گر به توانایی [سخن‌گو] توجه دارد. ۳. پس ناگزیر سه گونه رتوریکی وجود دارد: مشاوراتی، مشاجراتی، منافراتی.

توصیه مشاوراتی یا واداشتن است یا بازداشتن؛ چون چه آنان که در خلوت مشاوره می‌دهند چه آنان که در جمع سخن می‌گویند همیشه یکی از این دو کار را انجام می‌دهند. در دادگاه قانون یا اتهام است یا دفاع؛ چون منازعان ناگزیر باید یکی از این دو را عرضه دارند. در منافرات، یا ستایش است یا نکوهش. ۴. هریک از این گونه‌ها "زمان" خود را داراست؛ برای سخن‌گوی مشاوراتی، آینده (چون چه با واداشتن چه با بازداشتن او درباره رویدادهای آینده توصیه می‌کند)؛ برای سخن‌گو در دادگاه، گذشته (چون او همیشه با توجه به آنچه انجام گرفته، یا تعقیب قانونی می‌کند یا دفاع)؛ در منافرات کنون مهم‌ترین است؛ چون تمام سخن‌گویان با توجه به کیفیت‌های موجود ستایش و نکوهش می‌کنند، اما آن‌ها اغلب از چیزهای دیگر نیز بهره می‌جویند، هم به یاد آوردن گذشته [برای مخاطب] و هم ترسیم مسیر آینده. ۵. "غایت" هر یک از سه متفاوت است، و سه غایت برای سه [گونه] وجود دارد: برای سخن‌گوی مشاوراتی [غایت] سودمند و زیان‌آور است (چون کسی که به سوی چیزی می‌شتاباند آن را به‌عنوان راه بهتر و او که بازمی‌دارد بر این اساس که آن چیز بدتر است بازمی‌دارد)، و او دیگر عوامل را ضمنی می‌شمارد: آیا حق‌اند یا ناحق، شرافت‌مندانه‌اند یا ننگین؛ برای آنان که در دادگاه قانون سخن می‌گویند [غایت] حق و ناحق است، و دیگر ملاحظات را در ضمن این می‌شمارند؛ برای آنان که ستایش و نکوهش می‌کنند [غایت] امر شرافت‌مندانه و ننگین است، و این سخن‌گویان دیگر ملاحظات را در ارجاع به این کیفیت‌ها مطرح می‌کنند. ۶. در این‌جا نشانه‌ای هست که غایت هر یک [از گونه‌های رتوریک] آن است که گفته شد: گاهی اوقات شاید یک شخص بر سر عوامل دیگر نزاع نکند؛ برای مثال، یک سخن‌گوی مشاجراتی [شاید انکار نکند] که چیزی را صورت داده یا زیانی را به بار آورده، اما او هرگز موافقت نخواهد کرد که [با قصد]

خطا کرده؛ چون [اگر او این را تصدیق کند،] دیگر نیازی به محاکمه نخواهد بود. به همین سان، سخن‌گویان مشاورتی اغلب حقایق دیگر را پیش می‌کشند، اما هرگز اذعان نخواهند داشت که در حال توصیه به چیزهایی‌اند که به صرفه [مخاطب] نیست یا آن‌که در حال منصرف ساختن [او] از آن چیزی‌اند که سودمند است؛ و آن‌ها اغلب بر این که به‌بردگی کشیدن همسایگان یا آنان که خطایی نکرده‌اند ناعادلانه نیست، پانمی‌فشارند. و به همین سان، آن‌ها که ستایش یا نکوهش می‌کنند این را لحاظ نمی‌دارند که اقداماتی را که شخص صورت داده آیا به سود یا زیان [خودش] بوده یا خیر بلکه اغلب حتی این را مبنای ستایش قرار می‌دهند که او آنچه شرافت‌مندانه بود را بدون توجه به هزینه آن برای خودش انجام داده است. برای مثال، آن‌ها آشیل (Achilles) را می‌ستایند چراکه به یاری دوست خود پاتروکلوس (Patroclus) رفت با آگاهی از اینکه که خودش باید بمیرد، هرچند می‌توانسته بود زندگی را ادامه دهد. برای او، چنین مرگی شرافت‌مندانه‌تر بود؛ اما زندگی به‌صرفه‌تر. (کندی، ۲۰۰۷: ۵۰)

۴. روش پژوهش

داده یا (در این پژوهش) همان پیکره از دو منظر عمده، یعنی بی‌ادبی زبانی کالپیر (۲۰۱۱) و هم‌چنین چارچوب گونه‌شناختی رتوریک ارسطو (کندی، ۲۰۰۷: ۵۰) مورد بررسی، توصیف و تحلیل واقع شد. در آغاز نگارنده با عطف به تعریف کالپیر از بی‌ادبی زبانی (۲۰۱۱: ۲۵۴ و ۲۵۵) به شناسایی پاره‌گفت‌های دربردارنده بی‌ادبی زبانی / تهاجم کلامی در پیکره زبانی گردآوری شده پرداخت. سپس یک‌یک پاره‌گفت‌های شناسایی شده را بر پایه مقولاتی که کالپیر (۲۰۱۱: ۱۱۳-۱۹۳) ذیل دو عنوان بی‌ادبی مرسوم‌شده و بی‌ادبی تلویحی پیشنهاد کرده، تحلیل و دسته‌بندی نمود.

از منظر بعدی - چارچوب گونه‌شناختی ارسطو، نگارنده به توصیف گونه رتوریکی هرپاره‌گفت پرداخت؛ به این معنا که ویژگی‌هایی که آن پاره‌گفت‌ها را، با توجه به شاخص‌های عنوان‌شده توسط ارسطو، به هریک از گونه‌های رتوریکی، یعنی مشاوراتی، مشاجراتی و منافراتی، نزدیک‌تر می‌کند، بیان نمود. در این‌جا توجه به یک نکته ضروری است و آن این که اگرچه گونه رتوریکی به تمامی یک اثر، در مورد این پژوهش به تمامی یک نطق، تعلق می‌گیرد اما چنانکه مشاهده شد رفتارهای زبانی مشارکان در گفتمان‌های مورد تحلیل، بر اساس شاخص‌های ارسطو، نوسان چشم‌گیری داشت؛ و اصلاً

نکته در همین جا است: ارسطو خود گفتمان پارلمانی را به عنوان نمونه‌ای از گونه مشاوراتی و آینده‌نگر معرفی کرده است که سخن‌گو در آن، با اشاره به سود و زیان احتمالی، به دعوت سخن‌شنو و قضاوت‌گر به مشارکت و عمل می‌پردازد. فراتر از این، در بسیاری از نوبت‌های پرسش که در این پژوهش بررسی شدند، پرسش اولیه که از جانب رئیس کمیسیون ناظر برای هیئت رئیسه قرائت شده، پرسشی به تمام معنا مشاوراتی است، اما در ادامه می‌بینیم که هم نماینده، که در اغلب موارد آنان آغازکننده تعامل ستیزه‌جویانه بودند، و هم وزیر رو به گذشته کرده و به ایراد اتهام به یکدیگر و دیگری‌های یکدیگر پرداخته‌اند؛ چنانکه ماهیت گفتمان و جو عاطفی دگرگون شده است (نگاه کنید: جلسه ۱۹۷: نادر قاضی‌پور، نماینده ارومیه و سیدحسن قاضی‌زاده، وزیر بهداشت). موارد این‌چنینی گویای آن است که، دست‌کم، پاره‌هایی نامنسجم که به‌طور برجسته‌ای در پیکره یک نطق نشان‌دارند می‌توانند متعلق به گونه‌ای متفاوت از گونه نطق باشند. چون اساساً سخن‌گو به واسطه آن‌ها هدف دیگری را دنبال می‌کند. برای مثال در جلسه پرسشی که یک نماینده برای بازداشتن وزیر از یک اقدام پیش‌رو سخن می‌راند، گاه و بی‌گاه، صرف نظر از این‌که چقدر بخت او در نیل به هدف اصلی‌اش افزایش یابد، وجهه وزیر را با ایراد اتهام‌های گوناگون تخریب می‌کند. پس در بعضی گونه‌های گفتمانی مانند گفتمان سیاسی به‌ویژه گفتمان مجلس بی‌جا نیست تحلیل گونه‌شناختی در سطح پاره‌گفت (و بند) نیز انجام شود و نه فقط در سطح کل نطق (یا متن).

اما چرایی گزینش زیرگونه پرسش به‌عنوان داده این است که این زیرگونه بافت مناسبی را برای بروز تهاجم کلامی و گفتمان مشاجراتی فراهم می‌دارد، و در عین حال، ماهیت آن، برخلاف ماهیت زیرگونه استیضاح، گفتمان مشاجراتی و ایراد اتهام را نشان‌دار می‌کند: «من از شما خواهش می‌کنم که سوال کنید و اینجا قضاوت نکنیم. قضاوت با خداست و بعد هم با مقامات قضائی است» (محمدجواد ظریف خطاب به کریمی قدوسی، جلسه ۲۳۹- ۹۷/۰۶/۱۱)؛ «اگر جایی که اطمینان داریم خلاف است به قوه قضائیه بدهیم، سوال نمی‌خواهد. به قوه قضائیه و دستگاه‌های امنیتی بدهیم تا بررسی کنند. بعد هم به هیأت رئیسه [؟] و شما ابزارهایی دارید که اگر کسی خیانت کند، ولی اگر نیست به افراد توهین نشود» (بیژن نامدار زنگنه خطاب به کریمی قدوسی، جلسه ۲۰۰- ۹۷/۰۲/۰۴). با نگاه به همین ویژگی‌ها، نگارنده این زیرگونه را به‌عنوان جامعه نمونه مناسب که به نسبت

رضایت‌بخشی مشتمل بر هم موارد صدق و هم موارد نقض بوده اما پیشاپیش تأییدکننده فرضیه‌ها نباشد، برگزید.

گردآوری داده با مراجعه به تارنمای رسمی روزنامه جمهوری اسلامی ایران، و بارگیری فایل متنی یک‌یک جلسات علنی دوره دهم مجلس (برگزارشده از ۸ خرداد ۱۳۹۵ تا ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۹) که دربردارنده دست‌کم یک نوبت پرسش بودند، انجام شد. نتیجه بایگانی فایل متنی ۹۸ جلسه مجلس شد که در مجموع ۱۵۳ نوبت پرسش را در دستور خود داشتند. از این ۱۵۳ نوبت پرسش، ۳۸ پرسش از جانب اعضای حزب موافق دولت، ائتلاف اصلاحات، و ۱۱۵ پرسش از جانب اعضای حزب رقیب، ائتلاف اصول‌گرایان، چه به‌طور انفرادی و چه به‌طور جمعی (از ۲ تا ۸۰ نفر) مطرح شده است. از میان این ۱۱۵ پرسش، ۳۷ مورد آن‌ها توسط نمایندگان برگزیده برای تحلیل، یعنی سیدناصر موسوی‌لارگانی، نماینده فلاورجان، جواد کریمی قدوسی، نماینده مشهد و کلات، حسینعلی حاجی‌دلیگانی، نماینده شاهین شهر، میمه و برخوار، نادر قاضی‌پور نماینده ارومیه، مجتبی ذوالنوری، نماینده قم، و نصراله پژمانفر، نماینده مشهد و کلات، عنوان و در صحن علنی مجلس قرائت شده است. براین‌د مرور سطر به‌سطر و واژه‌به‌واژه متن کامل تمام ۳۷ نوبت پرسش مزبور، حدود ۷۰۰ شماره پاره‌متن دربردارنده بی‌ادبی زبانی بود که در ادامه به ۳۰۰ پاره‌متن فروکاسته شد. اما هیچ‌یک از ۳۷ نوبت پرسش به‌کلی حذف نشد. بیش‌تر پاره‌متن‌ها یک یا دو رخداد، برخی بیشتر و اندکی نیز تا بیست رخداد از مقوله‌های گوناگون بی‌ادبی زبانی را در بر دارند.

تحلیل داده به این ترتیب بود که در گام نخست، هر ۳۰۰ پاره‌متن برگزیده پیکره از منظر بی‌ادبی کالپیر توصیف شدند، و از منظر دیگر، به تحلیل ۲۱۰ مورد اول بسنده شد. در گام بعد، ابتدا از هر منظر نظری، جداگانه، آمارهایی از بسامد شمول مقوله‌های آن منظر بر پاره‌گفت‌ها به‌دست داده شد و سپس توصیف و تحلیل‌های کمی آمیخته ارائه گردید. در ادامه، به‌دلیل محدودیت، تنها چند نمونه از پاره‌متن‌های تحلیل‌شده ارائه شده‌اند.^۷

راه‌نمایی: [قلاب‌ها واحد تحلیل منظر اول و سایه خاکستری واحد تحلیل منظر دوم را نشان می‌دهند. واحدهای تحلیل‌شده از هر دو منظر، در هر دو منظر با عددی یک‌سان موردارجاع بوده‌اند؛ زیرخط‌ها برای نشان دادن دقیق‌تر مورد بی‌ادبی/تهاجم هستند.

۵. نمونه‌هایی از داده و تحلیل کیفی

۱. جلسه ۲۶ - ۹۵/۰۶/۰۹ - نادر قاضی پور، نماینده ارومیه، در پرسش از علی ربیعی، وزیر رفاه: "آقای ربیعی! کی بر اساس شایسته‌سالاری، نیروهای جوان و تحصیل‌کرده از بهترین دانشگاه‌های معتبر کشور را جایگزین آقازاده‌ها و شاه دامادها می‌کنید [۱] تا کشتی‌های به‌گل‌نشسته شما را به راه بیندازند؟ [۲] انتصابات فقط و فقط قبیله‌ای است [۳] و هم‌فکری در دادن پاداش به همدیگر است. [۴]"

مقوله بی‌ادبی/تهاجم کلامی: ۱. مرسوم‌شده - پرسش و پیش‌انگاری ناخوشایند. ۲. تلویحی آشنا - صورت‌محور. ۳ و ۴. مرسوم‌شده - ادعای منفی.^۱
گونه رتوریک: ۲. مشاوراتی (زمان آینده. دعوت به عمل، در عین ایراد ضمنی اتهام). ۳ و ۴. مشاجراتی (زمان دستوری کنون را نشان می‌دهد، اما سخن‌گو چنانکه پیداست به گذشته تا کنون نظر دارد. ایراد اتهام).

۱-۲. جلسه ۳۱ - ۹۵/۰۷/۱۱ - جواد کریمی قدوسی، نماینده مشهد و کلات، در پرسش از محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه: "تغییر معاون عربی - آفریقایی وزارت امور خارجه در شرایط حساس منطقه‌ای با چه استدلالی صورت گرفته و آیا فشارهای سیاسی منطقه‌ای، بین‌المللی، داخلی باعث این تغییر شده؟" (قرینه درون‌گفتمانی - وزیر: "این توهین به وزارت امور خارجه نیست؛ توهین به نظام است که ادعا کنیم ما به خاطر نگرانی خارجی‌ها مسئولین خودمان را عوض می‌کنیم. این حرف هیچ اساس و پایه‌ای ندارد...")
مقوله بی‌ادبی/تهاجم کلامی: مرسوم‌شده - پرسش ناخوشایند؛ همچنین، به اعتبار قرینه درون‌گفتمانی، توهین.

گونه رتوریک: مشاجراتی (زمان گذشته. ایراد تلویحی اتهام).

۲-۲. نماینده در خطاب به وزیر: "فوائد برجام را من اشاره می‌کنم... - تمام شدن دوران بهانه‌گیری [۱] برای این موضوع که تا تحریم هست کاری از پیش نمی‌رود. - پایان دوران پرهزینه و خسته‌کننده مذاکرات. [۲] ... در ازای این دستاورد صنعت هسته‌ای ما در حد نمادینش باقی ماند و تولیدات صنعت هسته‌ای ما متوقف شد. [۳]"

مقوله بی‌ادبی/تهاجم کلامی: ۱-۳. تلویحی - رسم‌محور - ناهمخوانی درونی (طعنه).

گونه رتوریک: ۱-۳. مشاجراتی (ایراد تلویحی اتهام)

بررسی تهاجم کلامی در گفتمان ... (سیدمهدی عمادی مجد و دیگران) ۸۵

۳-۲. نماینده در خطاب به وزیر: "بارها مقام معظم رهبری فرمودند موقعی که صحبت می‌کنید دو دو نگویید و شلوغ نکنید."

مقوله بی ادبی/تهاجم کلامی: تلویحی - صورت‌محور («شما شلوغ کردید»); هم‌چنین، تحمیل نقش (دو دو گفتن ویژه نقش نماینده‌هاست، نه وزیر!) (بنگرید به باوسفیلد، ۲۰۰۸: ۱۳۱).

گونه رتوریک: مشاجراتی (ایراد تلویحی اتهام)

۴-۲. نماینده در خطاب و اشاره به نایب‌رئیس: "برعکس می‌گویید، آقا بلد نیستی [۱]، نگاه کنید چی نوشته؟ «قانع‌کننده بودن پاسخ وزیر»، باز هم دارد اشتباه می‌کند. [۲]"
مقوله بی ادبی/تهاجم کلامی: ۱. مرسوم‌شده - ادعای شخصی‌سازی شده منفی.
۲. مرسوم‌شده - پیش‌انگاری ناخوشایند.

گونه رتوریک: ۱ و ۲. مشاجراتی (ایراد اتهام): «قضات شخص هدف سوی گیرانه و ناحق است»

۳. جلسه ۵۰ - ۹۵/۰۹/۱۷ - نصراله پژمانفر، نماینده مشهد و کلات، در پرسش از محمد فرهادی، وزیر علوم: "من واقعا از جناب آقای فرهادی تشکر دارم که تلاش دارند صادقانه از رفتار خلاف قانون معاونین خودشان نهایت دفاع را داشته باشند [۱] و این صداقت و تلاش جناب آقای فرهادی است و ایشان واقعا تلاششان برای معاونین‌شان قابل ستایش است [۲]".

مقوله بی ادبی/تهاجم کلامی: ۱ و ۲. تلویحی - رسم‌محور - ناهمخوانی درونی (طعنه).
گونه رتوریک: ۱ و ۲. منافراتی (نکوهش اظهارات مخاطب که سخن‌گو آن‌ها را مغایر با صداقت و قانون‌مداری می‌خواند)

۴. جلسه ۱۰۹ - ۹۶/۰۳/۰۷ - نادر قاضی‌پور، نماینده ارومیه، در پرسش از محمدرضا نعمت‌زاده، وزیر صنعت و معدن: "اما در رابطه با سؤال دوم، ... آقای نعمت‌زاده! اخبار کذب دادن به مجلس جرم است. [۱] حقیر می‌توانم با ماده ۲۰۶ حضرت‌عالی را به قوه قضائیه معرفی کنیم، [۲]"

مقوله بی ادبی/تهاجم کلامی: ۱. مرسوم‌شده - پیش‌انگاری ناخوشایند. ۲. مرسوم‌شده - تهدید.

گونه رتوریکی: ۱و۲. مشاجراتی (ایراد اتهام)

۱-۵. جلسه ۱۹۷ - ۹۷/۰۱/۲۸ - نادر قاضی‌پور، نماینده ارومیه، در پرسش از سیدحسن قاضی‌زاده هاشمی، وزیر بهداشت: "همکاران عزیز! آنچه آقای وزیر گفت همه‌اش کذب محض است. [۱] آمار غلط گفت. [۲] صحبت‌هایش استناد ندارد. [۳] ... خیانت به تولید کشور با واردات صافی دیالیز توسط دولت. [۴] تولید ناموس این مملکت است. [۵]

مقوله بی‌ادبی/تهاجم کلامی: ۱ - ۴. مرسوم‌شده - ادعای شخصی‌سازی شده منفی. ۵. تلویحی - صورت‌محور («دولت که به تولید خیانت کرده، به ناموس مملکت خیانت کرده است؛ دولت خائن به ناموس است»).

گونه رتوریکی: ۱-۵. مشاجراتی (ایراد اتهام)

۲-۵. نماینده در خطاب به وزیر: "آقای قاضی‌زاده! امارت را برو اصلاح کن. [۱] برو کلاس درس ابتدایی الفبای ضرب و تقسیم را یاد بگیر. [۲]"
مقوله بی‌ادبی/تهاجم کلامی: ۱ و ۲. مرسوم‌شده - تحقیر و تنزیل (تعدی به سلسله روابط قدرت).

گونه رتوریکی: ۱و۲. مشاجراتی (ایراد تلویحی اتهام: «شما آمار و ارقام غلط و گمراه‌کننده دادید»)

۱-۶. جلسه ۱۹۷ - ۹۷/۰۱/۲۸ - سیدحسن قاضی‌زاده هاشمی، وزیر بهداشت، در پاسخ به نادر قاضی‌پور، نماینده ارومیه: "ما کلاس اول دبیرستان یک معلمی برای خط داشتیم، یادم است اولین جلسه‌ای که آمد خطی را که به ما آموزش داد این بود «توانا بود هر که دانا بود» ... هفته بعد آمد گفت «بادب باش تا بزرگ شوی [۱]». ... شأن و فرهنگ مردم عزیز ارومیه خیلی بالاتر از این است که اینجا بایستی [۲] به یک وزیر تهمت بزنی [۳] و دروغ بگویی [۴]. [۵]"

مقوله بی‌ادبی/تهاجم کلامی: ۱. تلویحی - صورت‌محور. ۲-۴. مرسوم‌شده - ارجاع منفی. ۵. مرسوم‌شده - پیش‌انگاری ناخوشایند.

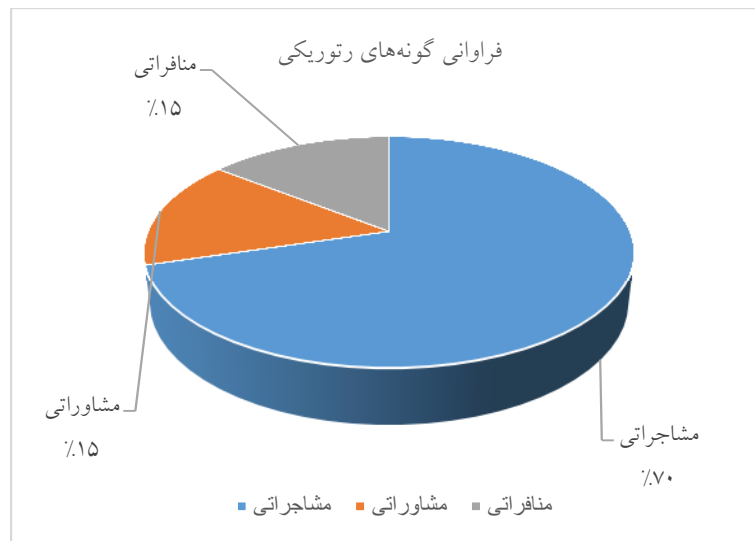
گونه رتوریکی: ۱و۵. منافراتی (نکوهش رفتار مخاطب که سخن‌گو آن را بی‌ادبانه و مایه ننگ معرفی می‌کند)

۲-۶. وزیر در خطاب به نماینده: "چرا می‌آیید اینجا همین‌طور دهانتان را باز می‌کنید [۱] هر چه دلتان می‌خواهد می‌گویید؟ [۲]"

مقوله بی‌ادبی/تهاجم کلامی: ۲۱. مرسوم شده - پرسش و پیش‌انگاری ناخوشایند.
گونه رتوریک: منافراتی (نکوهش رفتار کلامی مخاطب که سخن‌گو آن را بسیار ناپسند و نابه‌جا معرفی می‌کند)

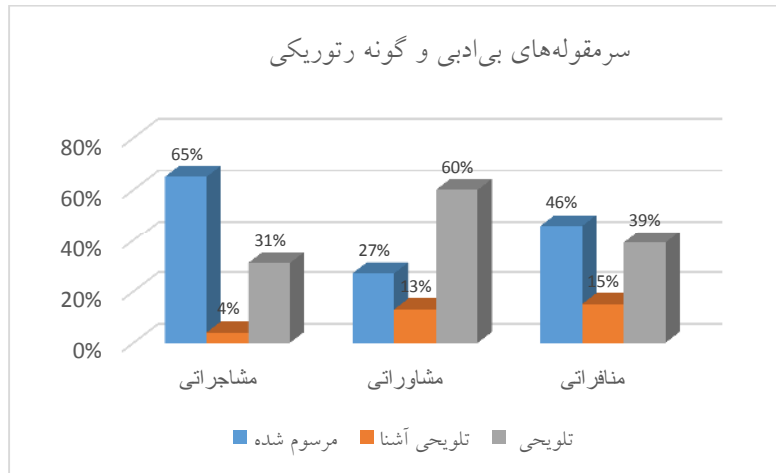
۶. تحلیل‌های کمی و آماری

در این قسمت، نگارنده بر اساس تحلیل‌های کیفی انجام‌شده بر روی داده، به توصیف و تحلیل کمی (عددی و درصدی) فراوانی رخدادها، در قالب جدول و نمودار، پرداخته است: فراوانی شمول گونه‌های رتوریک بر پایه‌گفت‌های تحلیل‌شده؛ و فراوانی رخداد سرمقوله‌های بی‌ادبی زبانی در پایه‌گفت‌های مشمول هر یک از گونه‌های رتوریک.



نمودار ۱. فراوانی شمول گونه‌های رتوریک بر پایه‌گفت‌های دربردارنده بی‌ادبی

با اولین نگاه به این نمودار درستی فرضیه دوم پژوهش دریافت می‌شود. در ۲۱۰ پایه‌متن تحلیل شده، ۳۰۲ پایه‌گفت دربردارنده تهاجم، به‌عنوان پایه‌گفت‌های مشاجراتی، ۶۵ پایه‌گفت، به‌عنوان مشاوراتی و ۶۲ پایه‌گفت نیز به‌عنوان منافراتی، از نگاه



نمودار ۲. مقایسه فراوانی رخداد مقوله‌های بی‌ادبی در پاره‌گفتهای رتوریکی

این نمودار، به‌طور تطبیقی نشان می‌دهد که در پاره‌گفتهای مشاجراتی، بی‌ادبی زبانی صورت‌گرفته در اکثریت غالب موارد از نوع مرسوم‌شده بوده است؛ برعکس، در پاره‌گفتهای مشاوراتی بی‌ادبی زبانی در اکثریت غالب از نوع تلویحی بوده است. شاید به‌این دلیل که همین میزان از تهاجم برای منظور سخن‌گو کفایت می‌کرده است. در پاره‌گفتهای منافراتی نیز بی‌ادبی تلویحی و مرسوم‌شده به‌طور تقریباً برابر صورت گرفته است. سخن‌گو در پاره‌گفتهای منافراتی در بیشتر موارد به نکوهش سخن‌شنو و دیگری‌های او و در بعضی موارد نیز به ستایش خود و دیگری‌های خود پرداخته است. مشابهت بسیار فراوانی بی‌ادبی تلویحی در پاره‌گفتهای مشاوراتی با فراوانی بی‌ادبی مرسوم‌شده در پاره‌گفتهای مشاجراتی جالب توجه بوده، می‌تواند معنادار باشد؛ و خود جای بررسی و آزمون دارد.

۷. بحث و نتیجه‌گیری

طبق جدول ۲، رخداد بسیار بیشتر تهاجم مشاجراتی نسبت به تهاجم مشاوراتی و منافراتی در گفتمان آن نوبت‌های پرسش که بررسی شدند، نشان می‌دهد که میزان گفتمان مشاجراتی (یعنی گرایش به گذشته) در آن نوبت‌ها ناهنجار و نشان‌دار است.

اما فرضیه اول پژوهش بر اساس جدول مزبور که نمایانگر توزیع فراوانی انواع بی‌ادبی زبانی در پیکره پژوهش است رد شد. چنان‌که دیدیم، مقولات بی‌ادبی مرسوم‌شده و تلویحی، به‌ترتیب و در مجموع، ۳۹۳ و ۳۰۷ بار در پیکره نمود یافته‌اند؛ و بی‌ادبی مرسوم‌شده با تفاضل ۸۶ مرتبه‌ای از بی‌ادبی تلویحی بسامد بیشتری داشته است. در کل، از مقوله‌های بی‌ادبی کالپیر (۲۰۱۱: ۱۱۳-۱۹۳)، به‌طور خاص از میان فرمول‌واره‌های مرسوم‌شده بی‌ادبی شناسایی‌شده توسط او، توهین در قالب ارجاع و ادعای منفی مستقیم (یا غیر مستقیم) نسبت به سخن‌شنو، پرسش‌ها و پیش‌انگاری‌های ناخوشایند و ناگوار، انتقاد صریح، تحقیر و بیانات ارباب‌منشانه، همچنین از میان انواع تلویحی بی‌ادبی، طعنه و اظهارات دوپهلوی و نیش‌دار با بیشترین بسامد رخ داده‌اند.

در بحث از ماهیت پدیده مورد بررسی پژوهش، بر اساس مبنای معناشناختی اتخاذشده (که در قسمت مبانی نظری گذشت)، گفتنی‌ترین این است که از میان هفت گونه معنایی که ملنیچنکو برای اصطلاح «تهاجم» معرفی کرده، گونه یکم و پنجم، که معنای پایه‌شان «رفتار» است، با تهاجم کلامی نزدیک‌ترین رابطه را دارند؛ و گونه دوم و هفتم با معنای پایه «احساس» و دو گونه سوم و چهارم با معنای پایه «اقدام» (مانند تهاجم یک کشور به کشوری دیگر) در اساس با این پدیده مغایرند. گونه ششم نیز با معنای پایه «بازی کردن» به‌همراه دو مؤلفه جنبی که عبارتند از: محل اجرای «بازی»، یعنی «ورزش»، و هدفی به‌خصوص، یعنی «کسب امتیاز»، به‌ظاهر با تهاجم کلامی تغایر اساسی دارد. هرچند، ملنیچنکو (۲۰۱۸: ۴۳) در توضیح این گونه اینگونه ادامه داده است که: «مؤلفه پایه این گونه (یعنی بازی کردن) همچنین ناظر بر فعالیت‌هایی است که می‌توان با معنای پایه تمام گونه‌های [شش‌گانه] پیشین برابر دانست‌شان...». این چنین، اگر «بازی کردن» را متناظر با معنای پایه گونه پنجم، یعنی «رفتار»، و گفتمان سیاسی را بافت و محلی برای اجرای این رفتار تهاجمی در نظر بگیریم، آنگاه عبارت استعاری «بازی سیاسی / سیاست» ملموس‌تر می‌آید؛ به‌ویژه با عنایت به مؤلفه جنبی دیگر این گونه معنایی، یعنی هدف آن، که «کسب امتیاز» است. پس می‌بینیم که این گونه معنایی نیز می‌تواند با پدیده این پژوهش - تهاجم کلامی / بی‌ادبی زبانی در گفتمان سیاسی رابطه تنگاتنگی داشته باشد. در پیکره پژوهش، بسیاری موارد از رفتارهای تهاجمی کلامی دیده شدند که اثرشان، خواسته یا ناخواسته، کاستن از بخت شخص هدف و افزودن بر بخت سخن‌گو در پیروزی نهایی (رای دلخواه نمایندگان و مردم) بود. این مؤلفه معنایی تهاجم یعنی «کسب امتیاز» در

مناظره‌های سیاسی بسیار بارزتر است: آنجا که برد یکی مستلزم باخت دیگری/ دیگران است. در این باره، گارسیا-پاستور (García-Pastor) بیان می‌دارد: «مناظره‌های انتخاباتی سیاسی بازی‌های با جمع صفراند (zero-sum games)، که ذات بردوباختی و خصلت ستیزه‌آمیز آن‌ها در تبادلهای متقابل نامزدها بروز کامل می‌یابد» (۲۰۰۸: ۱۰۱).

وولکوا و پانچنکو (۲۰۱۶: ۱۷۸)، با اتخاذ مفهوم تهاجم ابزاری (Instrumental aggression) (در برابر تهاجم تکانشی) از اصطلاح‌شناسی باس (Buss, 1971)، در جمع‌بندی بیان داشته‌اند که: «اظهارات تعدی‌گرانه (Abusive remarks) سیاست‌مداران ناشی از فوران‌های عاطفی خودجوش نیست، بلکه ناشی از راهبردی است تخریبی و مفصل آن‌جا که ذات مجادله‌ای گفتمان سیاسی بهره‌گیری از تهاجم ابزاری را برای خاطر تسخیر قدرت، تنزیل جایگاه رقیب و فروگاهی وجهه عمومی او لازم می‌دارد» (نیز بنگرید به باس، ۱۹۶۱ به نقل از کالپر، ۲۰۱۱: ۲۲۰). اگر این بیانیه را مبنا قرار دهیم آنگاه می‌توانیم بگوییم که هیچ‌یک از گونه‌های معنایی یکم، پنجم و ششم ملنیچنکو به‌تنهایی به‌طور کامل گویای تمام رخدادهای پدیده مورد مطالعه در پیکره برگزیده نیستند، چه آنکه در یک یا چندی از مؤلفه‌هایشان با آن تغایر هم دارند. برای نمونه، گونه یکم «علت» تهاجم را در جمع مؤلفه‌های جنبی خود دارد و آن «خلق و خو» است.^۹ یک سیاست‌مدار، اگرچه دارای شخصیتی تهاجمی باشد، قاعدتاً برای حفظ وجهه و اعتبار خود و پیروزی نهایی در بازی، از ابراز خشونت‌های تکانشی در ستیزه‌های کلامی سیاسی خودداری خواهد کرد. کالپر در ارائه نمونه از موقعیت‌هایی که امکان مقابله به‌مثل را محدود می‌کنند اشاره می‌کند که: «سیاست‌مداران به‌ندرت پاسخ همسان به حرف‌پران‌ها (Hecklers) می‌دهند [تا]، بنابراین احتمال وجهه آنان به‌عنوان فردی آرام و خویشتن‌دار آسیب نبیند» (۲۰۱۱: ۲۰۶). استثنای بارز در پیکره پژوهش، رخدادهایی است نظیر برخی از آنچه در جلسه صدونودوهفتم (به تاریخ ۱۳۹۷/۰۱/۲۸) میان نادر قاضی‌پور، نماینده ارومیه و سید حسن قاضی‌زاده، وزیر بهداشت گذشت: «من همین‌جا از رئیس قوه قضائیه خواهش می‌کنم حتماً به این تهمت‌هایی که این آقا که دفعه اولش نیست، چندمین بار است دارد (تهمت) می‌زند رسیدگی کنند و همین‌جا حد بزنند» (نوبت دوم وزیر - در اشاره به نماینده)؛ «این نکبت است، این که وزارت نیست. شما انتظار دارید من جوابتان را هم ندهم؟» (نوبت دوم وزیر - خطاب به نماینده). رخدادهایی این‌چنین، که به‌روشنی حاکی از فوران خشم سخن‌گویند، با گونه معنایی پنجم، که «تداوم ناامیدی» را جزء مؤلفه‌های جنبی خود دارد، مطابقت دارند. اما ترکیبی از برخی

مؤلفه‌های سه گونه معنایی یکم، پنجم و ششم، یک گونه معنایی که گویای تمامی رخدادهای تهاجم کلامی در پیکره پژوهش باشد را شکل می‌دهد: معنای پایه: رفتار + مؤلفه‌های جنبی: ماهیت رفتار: کلامی یا پیراکلامی؛ ماهیت رفتار: حمله‌ورانه، به‌طور مخرب ستیزه‌وار؛ ستیزه‌وار و مخرب، (خشم‌گینانه)، تهدیدکننده؛ ماهیت رفتار: جهت‌یافته به سوی کسی/ چیزی/ جایی؛ خصیصه‌ها: به‌طور عمد غیردوستانه؛ هدف: کسب امتیاز.

فرضیه دوم پژوهش، بر اساس نتایج، به‌قوت تأیید شد. پاره‌گفت‌های مشاجراتی به‌تنهایی دوبرابر مجموع پاره‌گفت‌هایی‌اند که ذیل دوگونه دیگر می‌گنجند. البته چنانکه که در قسمت روش پژوهش نیز اشاره شد بررسی گونه رتوریک در سطح پاره‌گفت می‌تواند آزمون پرخطایی باشد. ارسطو نیز بیان کرده است که اختصاص دادن یک هدف به هر گونه رتوریک، به معنای صلب آن از گونه‌های دیگر نیست: آن هدف پیش و بیش از هر هدف دیگری در آن گونه دنبال می‌شود. به همین دلیل، تصمیم‌گیری درباره برخی پاره‌گفت‌ها که آیا هدف اصلی سخن‌گو از بیان آن‌ها حق و ناحق (مشاجراتی) بوده و یا سودوزیان (مشاوراتی) برای نگارنده کار دشواری بود. اما ایراد/ رد اتهام به عنوان مهم‌ترین خصیصه گفتمان مشاجراتی در اکثریت قریب به اتفاق پاره‌گفت‌های، به‌تشخیص نگارنده، مشاجراتی دیده می‌شد. ۶۵ درصد رخدادهای بی‌ادبی در این پاره‌گفت‌ها از نوع مرسوم‌شده بود؛ بعلاوه ۸۷ مورد از ۹۶ رخداد توهین (شامل به‌ویژه ادعای (شخصی‌سازی‌شده) منفی) در این پاره‌گفت‌ها وجود داشت: صراحت بیان در کنار ادعای منفی با معنای اتهام رابطه تنگاتنگی دارند. این دو، قضاوت نگارنده مبنی بر مشاجراتی بودن آن پاره‌گفت‌ها را پشتیبانی می‌کنند (نگاه کنید: جدول ۲؛ و نمودار ۲).

در این جا برخی عبارت‌ها و فرمول‌واره‌های رایج در گفتمان مجلس دهم که کارکرد بی‌ادبی (و اثر برخورندگی) داشتند و توسط نگارنده استخراج شدند را مشاهده می‌کنیم. این عبارت‌ها را با توجه به رخداد زیادشان در تعامل‌های بی‌ادبانه و خشونت‌آمیز گفتمان‌های مورد تحلیل پژوهش، بر اساس معیارهای کالپیر، می‌توان از فرمول‌واره‌های مرسوم‌شده بی‌ادبی در گفتمان امروز مجلس ایران برشمرد:

- ارجاع به شخص غایب همراه با ادعای منفی درباره او
- چرا خواب بودید/بودند/هستید (خوابیده‌اید)
- چه کاسه‌ای زیر نیم‌کاسه است؟

- چه دستی در کار است؟
- جا داشت ما را تشویق کنید/ ما انتظار داشتیم از ما تقدیر بشود
- برخی‌ها/ بعضی‌ها (به‌عنوان ارجاع منفی)
- چه کسی/ کسانی پشت پرده/ صحنه است/ هستند؟
- واقعیت [امر] چیست؟
- صادقانه بگویید/ بفرمایید...
- من [حالا] باز نکنم/ نمی‌کنم
- [حالا] این آمار/ اخبار/ ارقام را از کجا آورده‌اند/ اید [من نمی‌دانم]
- دولتی‌ها X (و X اتهام یا ارجاعی منفی باشد)
- X به جای اینکه Z Y (و X سخن‌شنو یا اشخاص یا نهادهای مرتبط با او و Y اقدام دلخواه و صورت‌نگرفته و Z عملکردی اشتباه و نکوهش‌پذیر باشد)
- X حیاط خلوت Y است (و Y سخن‌شنو یا سمت سازمانی او یا اشخاص مرتبط با او و X بخشی از سازمان مرتبط یا تحت مسئولیت او باشد)
- [چرا] نشانی اشتباه [/گرا] [به مردم] [به دشمن] [می‌دهید؟] / ندهید.
- باز [هم] [که] [شما] X (و X یک کنش یا اقدام نکوهش‌پذیر باشد)
- [پس] خاصیت/ فایده X چیست؟ (و X جایگاه سازمانی یا هویت حقوقی سخن‌شنو یا افراد مرتبط با او باشد)
- شما که X نباید هم Y (و X اتهام به سخن‌شنو بر اساس یک مورد نکوهش‌پذیر و Y اقدام دلخواه و صورت‌نگرفته باشد)
- شما که X چه برسد به Y (و X برآیند دست‌کمی یا شدنی‌تر و محقق‌نشده و Y برآیند دشوارتر و پرهزینه‌تر و محقق‌نشده باشد)
- شما باعث/ موجب شدید X (و X وضعیت یا برآیندی نامطلوب باشد)

اینک از جمله پیشنهادات برای پژوهش‌های آینده، یکی، بررسی و تحلیل کیفی شماری از نمونه‌های پیکره پژوهش (بنگرید به پی‌نوشت ۷) از منظر چارچوب اقتاعی رتوریک ارسطو است که افزوده ارزشمندی بر این پژوهش خواهد بود؛ نظر در اینکه چگونه بی‌ادبی

زبانی / تهاجم کلامی چونان ابزاری در جهت مغلوب ساختن سخن‌شنو و متقاعد کردن شخص قضاوت‌گر نسبت به حقانیت خود، در دست سخن‌گو عمل می‌کند. دیگری، بررسی تطبیقی گفتمان‌های نمایندگان هم‌حزب و رقیب مجلس با اعضای دولت است؛ با سؤال از اینکه فراوانی رخداد پاره‌گفت‌های مشاجراتی در گفتمان‌های نمایندگان هر حزب، یعنی حزب رقیب و حزب موافق، با اعضای دولت چقدر است. همچنین بررسی تطبیقی فراوانی مقوله‌های بی‌ادبی در گفتمان هر دو حزب. یافته‌ها می‌توانند محکی برای یافته‌های این پژوهش باشد.

در پایان لازم به یادآوری است که البته تهاجم کلامی آن هم انگیزته سودجویی سیاسی قابل‌نکوهش است، اما صرف رفتار تهاجمی یا خشونت‌آمیز قابل ارزش‌گذاری منفی، به‌عنوان بدترین رخداد ممکن، نیست. چنانکه ملنیچنکو در ضمن گونه‌معنایی اول خود آورده، تهاجم می‌تواند به‌طوری سازنده در جهت محافظت از خود باشد. همچنین، ناگفته پیداست که در گفتمان (سیاسی) میان راست‌گویی و عدم تهاجم و از آن‌سو میان دروغ‌گویی و وجود تهاجم همبستگی طبیعی وجود ندارد.

پی‌نوشت‌ها

۱. مثال‌ها از جانب نگارنده، به‌کل شمی و به‌قیاس ناقص با نمونه‌های ارائه‌شده در متن اصلی است و نه به‌دست‌آمده از طریق روش‌های اتخاذشده در آن منبع.
۲. کالپیر این فهرست را بازتاب‌دهنده داده‌های قاعده‌مند خود، و نه فهرستی از تمام فرمول‌واره‌های مرسوم‌شده بی‌ادبی در زبان انگلیسی، معرفی می‌کند. با این وجود به‌قوت گمان دارد که این فهرست بسیاری فرمول‌واره‌های مرسوم‌شده بی‌ادبی در زبان انگلیسی را که کاربرد عمومی فراوانی دارند، در بر می‌گیرد.
۳. إله در یافته‌های خود از مطالعه تطبیقی گفتمان‌های اعضای دو پارلمان انگلستان و سوئد از منظر رتوریک، «باهم‌آری (juxtaposition) مفاهیم متضاد» را به‌عنوان یکی از سه راهبرد کلامی مشترک میان اعضای هر دو پارلمان برای توهین کردن، معرفی کرده است (۲۰۰۴: ۵۶).
۴. کوسی (Kuße) در جمع‌بندی پژوهش خود (۲۰۱۹) بیان می‌دارد که: «پیام‌های گنگ از ابزارهای خشونت در صورت ارتباط به‌ظاهر دوستانه‌اند».

بررسی تهاجم کلامی در گفتمان ... (سیدمهدی عمادی مجد و دیگران) ۹۵

۵. نگارنده در تحلیل پیکره پژوهش، با نگاه به همین نکته، یعنی امکان مرسومیت یافتن صورت‌های زبانی که (هنوز کم‌وبیش) به‌طور تلویحی منجر به برداشت بی‌ادبی می‌شوند، برخی صورت‌های زبانی به‌کاررفته در پیکره نظیر ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات رایج را که، در نگاه او، برداشت بی‌ادبی از آن‌ها در موقعیت چندان نیازمند استنباط نبوده و اما در فرمول‌واره‌های کالپیر نیز نمی‌گنجیدند، ذیل مقوله‌ای با عنوان بی‌ادبی تلویحی آشنا جای داده است.

۶. []ها در این نقل‌قول توضیحات شارح، جان‌کندی را نشان می‌دهند.

۷. برای دیدن تمام پیکره تحلیل‌شده بنگرید به عمادی مجد، سیدمهدی (۱۳۹۹). واکاوی بازمودهای واژگان دستوری تهاجم کلامی و گونه‌های رتوریکی آن‌ها در گفتمان مجلس ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۸. در کالپیر (۲۰۱۱: ۱۳۵ و ۲۵۶) «صراحت ارجاع به سخن‌شنو» مؤلفه مشکل این مقوله از توهین است، و اگر به مؤلفه مزبور نباشد شاید نتوان این مقوله را مرسوم‌شده برشمرد؛ اما نکته، در بافت مورد بررسی، این است که شخص هدف پیش‌تر مشخص شده بوده، و اینکه منظور سخن‌گو از رفتار بی‌ادبانه حمله به وجهه اوست و نه کس دیگر لغو‌ناپذیر (noncancelable) است. از این‌رو نگارنده به‌جای عبارت «ارجاع شخصی‌سازی شده منفی»، عبارت «ارجاع منفی» را به‌کار برده است. اگر ارجاع لغو‌پذیر بود، مقوله مناسب «تلویحی - صورت‌محور» می‌بود.

۹. برای آشنایی با تهاجمی بودن در ارتباط (aggressiveness in communication) به‌عنوان یک خلق‌وخو، با تأکید بر شخص و نه موقعیت، بنگرید به اینفانته (Infante)، ریدل (Riddle)، هوروات (Horvath) و تاملین (Tumlin)، ۱۹۹۲.

کتاب‌نامه

احمدی، محمد. (۱۳۹۷). رتوریک، از نظریه تا نقد. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

بیدادیان قمی، فهیمه. (۱۳۹۷). تحلیل گفتمان انتقادی خشونت زبانی در ژانر درام اجتماعی فیلم‌های سینمایی ایرانی: رویکرد انتقادی فرکلاف. رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.

تاجیک، محمدرضا و نعمت‌الهی، نگین. (۱۳۹۵). کیفیت بازنمایی خشونت کلامی در چارچوب منطق هویتی گفتمان نوبنیادگرایی؛ مطالعه موردی: داعش و بوکوحرام. مطالعات سیاسی، ۹(۳۳)، ۲۷-۵۶.

چهارسوقی امین، تینا. (۱۳۹۷). رتوریک سیاسی در ایران؛ سازوکارهای اقناع در گفتمان مجلس شورای اسلامی. قم: لوگوس.

- راسخ مهند، محمد و علیزاده صحرايي، مجتبی و ایزدی فر، راحله و سلیمیان، رقیه. (۱۳۹۷). خشونت گفتاری در مطبوعات: مطالعه موردی روزنامه‌های فارسی. مطالعات زبانی و بلاغی، ۹(۱۸)، ۱۳۵-۱۶۴.
- صمدی طاری، کیومرث. (۱۳۹۷). خشونت نمادین و کلامی در سینمای ایران؛ با تأکید بر گفتمان قدرت از دیدگاه میشل فوکو. مطالعه موردی: فیلم‌های گزارش (۱۳۵۶، عباس کیارستمی) و جدایی نادر از سیمین (۱۳۸۹، اصغر فرهادی) - پروژه عملی: ساخت فیلم سینما خونه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- غیاثیان، مریم السادات، و ذاکری، طاهره. (۱۳۹۳). ادب و قدرت: مطالعه نشانگرهای تقویت/تعدیل در زبان سیاسی. پژوهشنامه علوم سیاسی، ۱۰(۱)، ۹۵-۱۲۲.
- فرجادمنش، کاوه. (۱۳۹۶). تحلیل کیفی محتوای خشونت‌های کلامی در هواداران تیم فوتبال پرسپولیس. مرکز پیام نور کرج.
- محمودی بختیاری، و سلیمیان، سمیه. (۱۳۹۵). بررسی بی‌ادبی کلامی در نمایش‌نامه صیادان. جستارهای زبانی، ۷(۱)، ۱۲۹-۱۴۹.
- محمودی بختیاری، بهروز و معنوی، مهسا. (۱۳۹۵). خشونت کلامی در نمایش‌نامه هاملت با سالاد فصل: رویکردی گفتمانی. جستارهای زبانی، ۷(۲)، ۱۸۷-۲۰۵.

- Andrus, J. (2013). 'Rhetorical Discourse Analysis'. *The Encyclopedia of Applied Linguistics*, 4975-4981, Edited by Carol A. Chapelle, John Wiley and Sons, Inc.
- Ardila, J. G. (2019). Impoliteness as a rhetorical strategy in Spain's politics. *Journal of Pragmatics*, 140, 160-170.
- Aydinoğlu, N. (2013). Politeness and Impoliteness Strategies: An Analysis of Gender Differences in GERALYN I. HORTON'S PLAYS. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 83, 473-482.
- Bevitori, C. (2004). Negotiating conflict Interruptions in British and Italian. *Cross-cultural perspectives on parliamentary discourse*, 10, 87.
- Bousfield, D. (2008). *Impoliteness in interaction*. Amsterdam: Benjamins.
- Brown, P., Levinson, S. C., & Levinson, S. C. (1987). *Politeness: Some universals in language usage* (Vol. 4). Cambridge university press.
- Culpeper, J. (1996). Towards an anatomy of impoliteness. *Journal of pragmatics*, 25(3), 349-367.
- Culpeper, J. (2011). *Impoliteness: Using language to cause offence* (Vol. 28). Cambridge University Press.
- Dunmire, P. L. (2008). 4. The rhetoric of temporality: The future as linguistic construct and rhetorical resource. In *Rhetoric in detail* (pp. 81-111). John Benjamins.

- García-Pastor, M. D. (2008). Political campaign debates as zero-sum games: Impoliteness and power in candidates' exchanges. *Language Power and Social Process*, 21, 101.
- Ilie, C. (2001). Unparliamentary language: Insults as cognitive forms of ideological confrontation. *Amsterdam Studies In The Theory And History Of Linguistic Science Series 4*, 235-264.
- Ilie, C. (2004). Insulting as (un) parliamentary practice in the British and Swedish parliaments. *Cross-cultural perspectives on parliamentary discourse*, 10, 45.
- Infante, D. A., Riddle, B. L., Horvath, C. L., & Tumlin, S. A. (1992). Verbal aggressiveness: Messages and reasons. *Communication Quarterly*, 40(2), 116-126.
- Kennedy, G. A. (2006). "Classical rhetoric". *Encyclopedia of Rhetoric*. Ed. Thomas O. Sloane. Oxford University Press. Encyclopedia of Rhetoric: (e-reference edition). Oxford University Press. The Midnight University.
- Kennedy, G. A. (2007). Aristotle, *on Rhetoric: A Theory of Civic Discourse*, Translated with Introduction, Notes and Appendices. Oxford: Oxford University Press.
- Kuße, H. (2019). Diffuse messages as aggression and violence in political discourse. *Political Discourse in Central, Eastern and Balkan Europe*, 84, 23.
- Lanham, R. A. (1991). *A handlist of rhetorical terms* (p. 108). Berkeley: University of California Press.
- Matsumoto, D., & Hwang, H. C. (2013). The language of political aggression. *Journal of Language and Social Psychology*, 32(3), 335-348.
- Melnychenko, I. S. (2018). Approaches to definition of verbal aggression in political discourse, *Science and Education a New Dimension. Philology*, VI(52), Issue: 177.
- Murphy, J. (2014). (Im) politeness during Prime Minister's Questions in the UK Parliament. *Pragmatics and Society*, 5(1), 76-104.
- Neshenko A. V. (2016). Defamation and aggression in the political discourse (by the material of A. Lukashenko's interview). *Philological sciences. Questions of theory and practice*, (12-4 (66)).
- Nithyanand, R., Schaffner, B., & Gill, P. (2017). Measuring offensive speech in online political discourse. In *7th {USENIX} Workshop on Free and Open Communications on the Internet ({FOCI} 17)*.
- Seara, I. R., Manole V. (2016) *Insult and the Construction of the Other's Identity; Remarks on Portuguese Political Discourse*.
- Volkova, Y. A., & Panchenko, N. N. (2016). Destructiveness in political discourse. *Russian Journal of Linguistics*, 20(4), 161-178.
- Zima, E., Brône, G., & Feyaerts, K. (2010). Patterns of interaction in Austrian parliamentary debates. *European parliaments under scrutiny: Discourse strategies and interaction practices*, 135-164.